


نوع مقاله: ترویجی

نقش معنویت و اخلاق در الگوی اسلامی تعلیم و تربیت اقتصادی

محمدجواد توکلی / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

tavakoli@iki.ac.ir  orcid.org/0000-0002-8184-8163

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

بسیاری از کشورها اقدام به طراحی الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی جهت بهبود سطح دانش اقتصادی دانش‌آموزان پیش از ورود به دانشگاه کرده‌اند. در بیشتر مدل‌های تعلیم و تربیت اقتصادی، مدل نئوکلاسیکی رفتار اقتصادی عقلایی ترویج می‌شود؛ مدلی که منجر به بیشینه‌سازی سود مادی می‌گردد. اما گسترش منطق انتخاب عقلایی لذت‌محور باعث به حاشیه راندن معنویت و اخلاق به‌عنوان دو مورد از تعالیم ادیان الهی است. این مقاله به دنبال تدوین الگوی اسلامی تعلیم و تربیت اقتصادی است که در آن معنویت و اخلاق نقشی محوری بازی می‌کند. براساس یافته‌های پژوهش، الگوی اسلامی تعلیم و تربیت اقتصادی به دنبال تقویت عقلانیت اخلاقی/معنوی در عاملان اقتصادی با استفاده از قواعد و سیاست‌های اقتصاد اسلامی است. برای نمونه؛ نهاد زکات در صدد تزکیه پرداخت‌کنندگان این مالیات اسلامی است؛ این در حالی است که مالیات‌های متعارف اجباری بوده و اهداف معنوی و اخلاقی را هدف‌گذاری نمی‌کنند. در مدل تعلیم و تربیت اقتصادی اسلام، توجه به درآمد حلال و طیب راهبردی برای تقویت عقلانیت معنوی در عاملان اقتصادی است. در این مقاله استانداردهای محتوایی برای الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی اسلامی پیشنهاد می‌شود که در آن عناصر اخلاقی نقشی اساسی ایفا می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، معنویت، تعلیم و تربیت اقتصادی، اقتصاد اسلامی.

مقدمه

اقتصادی از سوی دیگر است. در این مقاله به ارزیابی پروژه تعلیم و تربیت اقتصادی از دیدگاهی خاص می‌پردازیم. سؤال این است که آیا در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی متعارف جایی برای معنویت و اخلاق وجود دارد؟ دغدغه اصلی این است که سؤال مشابهی را در مورد طرح اسلام برای تعلیم و تربیت اقتصادی مطرح کنیم. بنا به فرضیه مقاله حاضر، معنویت نقش مهمی در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی اسلام ایفا می‌کند.

۱. پیشینه تعلیم و تربیت اقتصادی در غرب

تعلیم و تربیت اقتصادی مورد توجه بسیاری از مذاهب، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها بوده است. در مورد سابقه تعلیم و تربیت اقتصادی در غرب پیش از رنسانس، اطلاعات چندانی در دسترس نیست؛ اما بعد از رنسانس، توجه ویژه‌ای به تعلیم و تربیت اقتصادی در غرب در میان خانواده‌ها به چشم می‌خورد. گزارش شده که خانواده‌های اصیل فرانسوی و انگلیسی تمایل داشتند تا برای فرزندانشان معلم اقتصاد بگیرند. جورت از معاصران دیوید ریکاردو و از اقتصاددانان معروف قرن ۱۸م در نامه‌های خود چنین اظهار می‌کند که افراد و خانواده‌های متخصص، پیش از آنکه پرستاری برای فرزندان خود استخدام کنند از آنان در مورد اینکه می‌توانند اقتصاد را به کودکان بیاموزند، سؤال می‌کردند (گاید و ریست، ۱۹۱۵، ص ۱۱۹). در آن زمان اندیشه‌های انتزاعی ریکاردو در مقالات روزنامه‌ها منتشر می‌شد. کتاب *گفتگو درباره دانش اقتصاد* نوشته مارست در سال ۱۸۱۶ مشتمل بر داستان‌های عامیانه‌ای برای آموزش اقتصاد است. در سال‌های ۱۸۳۲-۱۸۳۴، کتاب *تصاویر دانش اقتصاد* در ۹ جلد مشتمل بر ۳۰ داستان توسط *مارتینو* منتشر شد. همچنین در این دوره مک ویکار کتابی با عنوان *دروس اولیه علم اقتصاد برای استفاده در مدارس ابتدایی* تدوین کرد (همان). وی در مورد اهمیت تدریس اقتصاد به بچه‌ها می‌نویسد: اصول اولیه علم اقتصاد به‌حدی ساده و بدیهی است که کودکان به‌خوبی می‌توانند آنها را فرا بگیرند و باید به آنان تدریس شود. در قرن گذشته تأمل در این‌گونه مسائل مخصوص دانشمندان بود؛ ولی امروز آنها وارد پرستارخانه‌ها گردیده‌اند؛ و تنها اشکال آموختن آنها در سنین بالاتر بی‌اعتمادی ناشی از سادگی فوق‌العاده آنهاست (ژید و زیست، ۱۳۸۰، ص ۵۵). یک قرن بعد، انجمن اقتصاد آمریکا به‌عنوان یک نهاد رسمی که

در دهه‌های اخیر شاهد توجه زیادی به تعلیم و تربیت اقتصادی در مقاطع پیش‌دانشگاهی هستیم. اقتصاددانان به‌صورت سنتی در مطالعات سنتی خود در زمینه تحلیل سازوکار بازار گرفتار بوده‌اند؛ بدون اینکه توجه کافی به عوامل اجتماعی مؤثر بر عاملان اقتصادی داشته باشند. آنها به‌طور عمده به بررسی تأثیر تغییرات قیمت بر تصمیم‌های اقتصادی انسان اقتصادی می‌پردازند. برای چنین انسانی ترجیحات عقلایی خودخواهانه در نظر گرفته می‌شود. اقتصاددانان عمدتاً ترجیحات را برون‌زا در نظر می‌گیرند و طرح و نقشه‌ای برای شکل دادن و تغییر امیال ندارند. آنچه از آنها غالباً انتظار می‌رود این است که تأثیر تغییرات قیمت را با استفاده از دست نامرئی بازار و دست مرئی دولت مدیریت کنند.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به‌دنبال نقد الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی متعارف و استخراج نظام مفاهیم تعلیم و تربیت اقتصادی در رویکرد اقتصاد اسلامی هستیم. سؤال اصلی تحقیق این است که: نقش معنویت و اخلاق در الگوی تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی چیست؟ در این تحقیق سؤالات فرعی، همچون مشکلات مفاهیم تعلیم و تربیت اقتصادی متعارف و مفاهیم بدیل تعلیم و تربیت اقتصادی در رویکرد اقتصاد اسلامی مطرح است. در زمینه تعلیم و تربیت اقتصادی با رویکرد اسلامی آثار چندانی منتشر نشده است. برخی از مهم‌ترین آثار در این زمینه بدین شرح است: *طغیانی و زاهدی‌وفا* (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی امکان بهره‌گیری از آثار تمدن اسلامی در تربیت اقتصادی پرداخته‌اند. *طغیانی و بیغامی* (۱۳۹۵) در کتاب *تعلیم و تربیت اقتصادی* تلاش کردند الگویی اسلامی برای تعلیم و تربیت اقتصادی در فرهنگ اسلامی ارائه دهند.

توکلی (۱۳۹۵) به بررسی تربیت اخلاقی در نظام اقتصادی اسلام پرداخته است. در این مقاله تلاش شده تا با تقویت فعالیت‌های انجام‌شده زمینه استخراج نظام مفاهیم تعلیم و تربیت اقتصادی اسلامی، عناصری همچون عقلانیت اقتصادی اسلامی، اخلاق و معنویت در آن برجسته شود.

نوآوری مقاله حاضر نقد نظام مفاهیم تعلیم و تربیت اقتصادی متعارف، تعیین جایگاه اخلاق و معنویت در تعلیم و تربیت اقتصادی اسلامی و پیشنهاد نظام مفاهیم تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی است. طرح تعلیم و تربیت اقتصادی، طرح جدیدی برای شکل‌دهی به امیال، سلیق و ترجیحات، از یک‌سو، و ارتقای دانش عاملان

داشت. امروزه شواری ملی آموزش اقتصاد تنها مسئول سیاست‌گذاری در زمینه آموزش اقتصاد در ایالات متحده آمریکا نیست؛ بلکه مسئول تعریف برنامه‌های آموزش اقتصادی در تمام جهان است. از این‌رو، واژه ملی از عنوان این نهاد حذف شد و نام آن به شواری آموزش اقتصاد تغییر یافت. این شورا در زمینه تعیین الگوهای آموزش اقتصاد فعال است. این شورا همچنین به‌عنوان ناظر بر طرح‌های آموزش اقتصاد فعالیت می‌کند (طغیانی و پیغامی، ۱۳۹۵، ص ۴۶-۵۰).

اولین الگوی آموزش اقتصادی با عنوان «چارچوبی برای آموزش مفاهیم پایه» (A Framework for Teaching Basic concepts) توسط شورای ملی آموزش اقتصادی در سال ۱۹۷۷ معرفی شد. این چارچوب در سال ۱۹۸۴ بازنگری شد و با اصلاحاتی با عنوان «استانداردهای محتوایی ملی داوطلبانه در اقتصاد» (Voluntary National Content Standard in Economics) در سال ۱۹۹۷ منتشر گردید. ویرایش دوم این استانداردها در سال ۲۰۱۰ منتشر گردید. این استانداردها به مفهیمی اشاره دارند که دانش‌آموزان در هر سطح باید فراگیرند تا قابلیت‌های شناختی، امیال و رویه‌های رفتاری آنها در آینده را ارتقا دهند. این استانداردها پایه‌ای برای تعیین محتوای کتب و سایر محتوای آموزشی هستند (همان، ص ۵۰).

۲. ملت در خطر

در سال ۱۹۸۳، «کمیسون ملی اعتلای آموزش و پرورش» (National Commission on Excellence in Education) گزارشی در مورد کیفیت آموزش و پرورش ایالات متحده آمریکا با عنوان «ملت در خطر؛ ضرورت اصلاح نظام آموزشی» (A Nation at Risk: The Imperative for Educational Reform) منتشر کرد. *ترل بل* وزیر آموزش و پرورش دولت محافظه‌کار *رونالد ریگان* از سال ۱۹۸۱ مأمور بررسی و آسیب‌شناسی وضعیت تعلیم و تربیت در ایالات متحده و ارائه پیشنهادهایی برای ارتقاء کیفیت آن شده بود. همان‌گونه که *دیوید پیروپونت گاردنر*، رییس کمیسون ملی ارتقای وضعیت آموزش می‌نویسد، پیشنهاد این بود که مشکلات نظام آموزشی آمریکا و راه‌حل‌های آن شناسایی شود (گاردنر، ۱۹۸۳). نتیجه این بررسی در قالب گزارش مزبور ارائه شد. در این گزارش به رقابت دشوار کالاهای آمریکایی با کالاهای باکیفیت ژاپنی و کالاهای مستحکم آلمانی‌ها اشاره شده و دلیل برتری این دو کشور را در نظام آموزشی آنها می‌بیند.

مؤسسان کنشیش آن به آموزش اقتصاد علاقه نشان می‌دادند، آموزش و تربیت اذهان عمومی نسبت به ادبیات و سؤال‌های مبتلابه اقتصادی را یکی از اهداف اصلی خود عنوان کرد. در سال ۱۸۹۱، *سایمون پاتن* رئیس انجمن مقاله «جایگاه آموزشی اقتصاد سیاسی» را نگاشت که به‌نوبه خود اثر مؤثر و جریان‌ساز در تاریخ الگوهای آموزشی اقتصاد محسوب می‌شود. پاتن در این مقاله استدلال کرد که آموزش اقتصاد باید جایگزین نقش دروس ریاضیات و فیزیک در تربیت توانایی و تفکر نقاد و استدلالی شود (هینسا و سیگفراید، ۱۹۹۱، ص ۳۷۳).

در اواخر قرن ۱۹م، اقتصاد یا اقتصاد سیاسی به تدریج به دانشی مستقل تبدیل شد و مسیر خود را در برنامه‌های درسی بیشتر کالج‌ها و دانشگاه‌ها محکم کرد. توجه به آموزش اقتصاد در دوره آموزش عمومی در دهه پایانی قرن نوزدهم را می‌توان در اثر *فردریک کلاو* با عنوان *اقتصاد به‌منابِه مطالعه مدرسه‌ای* در سال ۱۸۹۹ مشاهده کرد که در آن به توصیف آموزش اقتصاد در مدارس دبیرستانی پرداخته شده است (کلاو، ۱۸۹۹).

در اوایل قرن بیستم میلادی به‌واسطه آثار جنگ جهانی اول و دوم، توجه به آموزش عمومی اقتصاد افول کرد. با این وجود، انجمن اقتصاد آمریکا در سازمان‌دهی مباحثات در مورد تعلیم و تربیت اقتصادی فعال بود. در میانه قرن بیستم میلادی انجمن اقتصاد آمریکا تأثیرگذارترین انجمن در تعلیم و تربیت اقتصادی بود. این انجمن برای ارتقای تعلیم و تربیت اقتصادی اقدام به تأسیس کمیته تعلیم و تربیت اقتصادی در سال ۱۹۵۵م کرد. در سال ۱۹۶۰، انجمن اقتصاد آمریکا در زیرمجموعه خود، اقدام به ایجاد مجموعه‌ای با نام «گروه ملی ضربت در تعلیم و تربیت اقتصادی» کرد، تا به تعریف سطح حداقلی سواد اقتصادی برای شهروندان بپردازد. این گروه گزارشی با عنوان «آموزش اقتصاد در مدارس» در دهه ۱۹۶۰ منتشر کرد. این اقدام یکی از گام‌های آغازین برای تدوین چارچوب عمومی محتوای اقتصادی در مقاطع آموزشی مدارس بود (هینسا و سیگفراید، ۱۹۹۱).

در سال ۱۹۶۹، مجله آموزش اقتصادی برای انتشار مقالات حوزه تعلیم و تربیت اقتصادی راه‌اندازی شد. این مجله و سایر انتشارات در این زمینه مسیر را برای معرفی استانداردهای ملی در زمینه آموزش اقتصاد توسط شورای ملی آموزش اقتصاد در ایالات متحده آمریکا را فراهم کردند. هرچند این استانداردها برای دانش‌آموزان آمریکایی طراحی شده بود؛ اما تأثیر زیادی بر طراحی دوره‌های آموزش اقتصاد در سایر کشورها

انتشار این گزارش تأثیری اساسی در تحول نظام آموزش و پرورش آمریکا داشت. در دهه ۱۹۸۰، فشار زیادی بر مدارس وارد شد که عملکرد خود را با توجه به استانداردهای آموزشی ارتقاء دهند. در سال ۱۹۹۴، «اهداف ۲۰۰۰: قانون آموزش آمریکا» تصویب شد. براساس این قانون، تمامی ایالت‌های آمریکا تشویق شدند تا استانداردهای محتوایی را برای نظام آموزش و پرورش خود تعریف کنند (طغیانی و پیغامی، ۱۳۹۵، ص ۵۳).

۳. استانداردهای محتوایی در تعلیم و تربیت اقتصادی

فلیپ ساندرز و جان و. گیلارد در سال ۱۹۷۷ استانداردهای محتوایی در آموزش اقتصاد را با عنوان چارچوبی برای آموزش مفاهیم پایه اقتصادی («A Framework for Teaching the Basic Economic Concepts») معرفی کردند. استانداردهای محتوایی ملی داوطلبانه در زمینه اقتصاد («The Voluntary National Content Standards in Economics») با تأمین مالی دپارتمان آموزش ایالات متحده آمریکا منتشر گردید. این استانداردها که حاوی مفاهیمی از اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اقتصاد بین‌الملل است، بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ چندین بار مورد تجدیدنظر قرار گرفت (سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰).

استانداردهای محتوایی ملی داوطلبانه در زمینه دانش اقتصاد حاوی ابزاری برای معلمان است که بیانگر چیزی است که دانش‌آموزان و کودکان مهد کودک در طول ۱۲ سال باید در مورد مفاهیم محوری دانش اقتصاد فراگیرند؛ به گونه‌ای که به کارگران، مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان، پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران و مهم‌تر از همه، شهروندانی آگاه‌تر بدل شوند (همان، ص ix).

چارچوب پیشنهادی مشتمل بر ۲۰ مفهوم اقتصادی پایه است: «هر استانداردی مشتمل بر مجموعه‌ای از معیارهای پایه‌ای برای هریک از سطوح آموزشی ۴، ۸ و ۱۲ است. استانداردها و معیارهای مزبور تنها فهرست ساده‌ای از آنچه باید فراگرفت، نیستند. هدف این است که دانش‌آموزان علاوه بر فهم این مفاهیم از توانایی و مهارت کافی برای شکل دادن به رفتار خود برخوردار شوند (همان، ص ۷).

استانداردهای محتوایی تعلیم و تربیت اقتصادی مجموعه‌ای از اهداف شناختی، گرایشی و رفتاری را در هر مقطع تحصیلی هدف‌گذاری کرده‌اند. دانش‌آموزان در هر مقطع سنی باید موضوعات

ملت ما با یک خطر جدی مواجه است. برای اولین بار بازرگانی، صنعت، علوم تکنولوژی پیشرفته و غیرقابل رقابت ما در جهان توسط رقابای سرسخت مورد تهدید قرار گرفته است... خطر فقط این نیست که زاپنی‌ها خودروهایی با کیفیت و بازدهی بهتر از خودروهای آمریکایی می‌سازند، و برای توسعه و صادرات آن یارانه می‌دهند؛ مشکل تنها این نیست که کره جنوبی اخیراً کاراترین کارخانه تولید فولاد جهان را بنا نهاده یا اینکه محصولات آلمانی جایگزین ابزارآلات ماشینی آمریکایی شدند، که زمانی مایه افتخار ما در دنیا بودند. مشکل همچنین این است که چنین پیشرفتی حاکی از بازتوزیع توانایی‌های آموخته شده در سطح جهان است. دانش، یادگیری، اطلاعات و مهارت‌ها، به مواد خام اولیه در اقتصاد بین‌الملل تبدیل شده‌اند که به شکل‌های مختلف از داروهای معجزه‌گر گرفته تا کودهای شیمیایی، جلوه‌گر شده‌اند. اگر ما بخواهیم با حفظ و تقویت قدرت رقابت اقتصادی‌مان در بازارهای جهانی باقی بمانیم، باید تحولی در نظام آموزشی کشور ایجاد کنیم... یادگیری سرمایه‌گذاری غیرقابل اجتنابی است که برای دستیابی به موفقیت در عصر اطلاعاتی که بدان وارد شدیم، ضروری است (گاردنر، ۱۹۸۳، ص ۹-۱۰).

براساس این گزارش، دغدغه باید فراتر از صنعت یا تجارت رود. حساسیت باید نسبت به قدرت فکری، اخلاقی و معنوی مردم باشد. براساس این گزارش، «مردم ایالات متحده آمریکا باید بدانند که افراد جامعه که از سطح کافی مهارت، سواد و مهارت ضروری برای عصر جدید برخوردار نیستند، نه فقط از پاداش‌های مادی نهفته در عملکرد رقابتی محروم خواهند شد؛ بلکه از داشتن شناسی برای مشارکت کامل در زندگی ملی نیز محروم می‌شوند. «سطح بالای آموزش مشترک، ضرورتی برای جامعه دموکراتیک آزاد است. چنین سطحی از آموزش برای ارتقای فرهنگ عمومی، ضروری است (همان، ص ۱۰).

این گزارش پس از اشاره به مشکلات نظام آموزش و پرورش ایالات متحده آمریکا، پیشنهادهایی برای حل مشکل ارائه می‌کند. در این گزارش به لزوم اصلاح نظام آموزشی با هدف ایجاد یک جامعه در حال یادگیری اشاره شده است. این نکته مورد تأکید قرار گرفته که «نظام رسمی مدارس پایه‌اساسی برای یادگیری افراد در طول زندگی است. اما بدون یادگیری در طول زندگی، مهارت‌های فردی به سرعت کهنه می‌شوند (همان، ص ۱۴-۱۵).

۱۰	نهادهای تکامل یافته و ایجاد می‌شوند تا به افراد و گروه‌ها کمک کنند تا به اهدافشان دست یابند. بانک‌ها، اتحادیه‌های کارگری، بازارها؛ شرکت‌ها، نظام‌های حقوقی و موسسات غیرانتفاعی نمونه‌های مهمی از این نهادها می‌باشند. نوع دیگری از نهادها، که به شکل واضح حقوق مالکیت را تعریف و تضمین می‌کنند، برای کارکرد اقتصاد بازار ضروری می‌باشند.	نهادهای
۱۱	پول تجارت، قرض گرفتن، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مقایسه ارزش کالاها و خدمات را آسان‌تر می‌کند. حجم پول در اقتصاد بر سطح عمومی قیمت‌ها اثر می‌گذارد. تورم به معنای افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است که باعث کاهش ارزش پول می‌شود.	پول و تورم
۱۲	نرخ‌های بهره که با تورم تعدیل می‌شوند، افزایش و کاهش می‌یابند تا تعادل بین مقادیر پس‌انداز شده و مقادیر قرض گرفته شده را برقرار کرده و بر تخصیص منابع کمیاب بین مصارف حال و آینده اثر می‌گذارد.	نرخ‌های بهره
۱۳	درآمد بیشتر مردم به وسیله ارزش بازاری منابع مولدی که خریداری می‌کنند تعیین می‌شود. آنچه کارگران به دست می‌آورند در وهله اول وابسته به ارزش بازاری است که آنان تولید می‌کنند.	درآمد
۱۴	کارآفرینان ریسک قابل محاسبه آغاز یک فعالیت تجارت جدید را بر عهده می‌گیرند؛ حال یا با شروع یک کسب و کار جدید که مشابه آن وجود دارد و یا با معرفی ابداعات جدید. ابداعات کارآفرینانه نقش مهمی در رشد اقتصادی دارند.	کارآفرینی
۱۵	سرمایه‌گذاری در کارخانجات، ماشین‌آلات، فناوری جدید و در بهداشت، آموزش و تربیت مردم باعث تسریع رشد اقتصادی می‌شود و می‌تواند به بهبود استانداردهای زندگی در آینده کمک کند.	رشد اقتصادی
۱۶	دولت نقشی اقتصادی در اقتصاد بازار دارد زمانی که منافع سیاست اقتصادی بر هزینه‌های آن غلبه کند. دولت‌ها غالباً دفاع ملی، رسیدگی به مسائل زیست‌محیطی، تعریف و حمایت از حقوق مالکیت و تلاش برای رقابتی کردن بازارها را خود انجام می‌دهند. بیشتر سیاست‌های دولت آثار مستقیم یا غیر مستقیم بر درآمد مردم دارند.	نقش دولت و شکست بازار
۱۷	هزینه‌های شکست سیاست‌های دولت گاهی بیشتر از منافع آن می‌شود. این پدیده ممکن است به خاطر مشوق‌های پیش‌روی رای‌دهندگان، مدیران و کارمندان دولتی؛ یا به خاطر رفتار گروه‌های خاص ذی‌نفع و یا به خاطر اهداف اجتماعی غیر از کارایی اقتصادی رخ دهد.	شکست دولت
۱۸	نوسانات در سطح عمومی درآمدها و قیمت‌ها تحت تاثیر تعامل تصمیم‌های مصرفی و تولید خانوارها، نگاه‌ها، موسسات دولتی و دیگر فعالیت یک اقتصاد رخ می‌دهد. رکود زمانی رخ می‌دهد که سطح عمومی درآمد و اشتغال کاهش یابد.	نوسانات اقتصادی
۱۹	بیکاری هزینه‌هایی را بر افراد و کل اقتصاد تحمیل می‌کند. تورم نیز چه به صورت انتظاری و چه غیرمنتظره باعث تحمیل هزینه‌هایی بر افراد و کل اقتصاد می‌شود. بیکاری در دوره‌ها رکود اقتصادی تشدید شده و در دوره بهبود اقتصادی کاهش می‌یابد.	بیکاری و تورم
۲۰	سیاست بودجه‌ای دولت فدرال و سیاست پولی بانک مرکزی بر سطوح عمومی اشتغال، تولید و قیمت‌ها تاثیر می‌گذارد.	سیاست پولی و مالی

منبع: سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۱۷-iii

و مفاهیم هر استاندارد را بدانند و بتوانند از آن در رفتارهای خود بهره‌مند گردند. برای نمونه، دانش آموز باید بداند پس‌انداز چیست (بعد شناختی)؛ نسبت به پس‌انداز تمایل داشته باشد (بعد گرایش) و مهارت لازم برای پس‌انداز را به‌دست آورد (بعد مهارتی)

جدول ۱: استانداردهای محتوایی داوطلبانه در آموزش اقتصاد در آمریکا

ش	استاندارد	شرح مختصر
۱	کمیابی	منابع تولیدی محدود می‌باشند. بنابراین، مردم نمی‌توانند تمامی کالاها و خدماتی که می‌خواهند را داشته باشند. در نتیجه، آنها مجبور به انتخاب برخی کالاها و خدمات و صرف‌نظر از بقیه می‌باشند.
۲	تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری کارآمد مستلزم مقایسه هزینه‌های اضافی گزینه‌های مختلف با منافع اضافی آنها می‌باشد. بسیاری از انتخاب‌ها مستلزم انجام مقداری کمتر یا مقداری بیشتر از چیزی است: در موارد اندکی باید بین همه یا هیچ انتخاب کرد.
۳	تخصیص	روش‌های متفاوتی را می‌تواند برای تخصیص کالاها و خدمات به کار برد. مردم چه هنگامی که به شکل فردی و چه هنگامی که به شکل جمعی عمل می‌کنند باید اقدام به انتخاب روش تخصیص کالاها و خدمات مختلف بپردازند.
۴	مشوق‌ها	مردم معمولاً به شکل قابل پیش‌بینی به مشوق‌های مثبت و منفی پاسخ می‌دهند.
۵	تجارت	مبادله داوطلبانه تنها زمانی رخ می‌دهد که تمام طرف‌های مشارکت‌کننده انتظار عایدی داشته باشند. این امر در مورد تجارت بین افراد یا سازمان‌های در درون یک ملت و همچنین بین افراد و سازمان‌ها در میان ملت‌های مختلف صادق است.
۶	تخصص‌گرایی	وقتی افراد، مناطق و ملت‌ها در آنچه می‌توانند می‌توانند با هزینه پایین‌تر تولید کنند، به شکل تخصصی وارد شوند و سپس به تجارت با دیگران بپردازند، تولید و مصرف هر دو افزایش می‌یابد.
۷	بازار و قیمت‌ها	بازار زمانی وجود دارد که فروشنده و خریدار با یکدیگر تعامل کنند. این تعامل تعیین‌کننده قیمت‌های بازاری است و به همین خاطر موجب تخصیص کالاها و خدمات کمیاب می‌شود.
۸	نقش قیمت‌ها	قیمت‌ها علامت‌هایی را ارسال می‌کنند و انگیزه لازم را برای فروشنده‌گان و خریداران ایجاد می‌کنند. وقتی عرضه یا تقاضا تغییر می‌کند، قیمت‌های بازاری خود را با آن تطبیق می‌دهند و بر انگیزه‌ها تأثیر می‌گذارند.
۹	رقابت و بازار	رقابت میان فروشنده‌گان غالباً باعث کاهش هزینه‌ها و قیمت‌ها می‌شود و تولیدکنندگان را تشویق می‌کند که آنچه مصرف‌کنندگان می‌خواهند و قادر به خریداری آن می‌باشند را تولید کنند. رقابت بین خریداران باعث افزایش قیمت‌ها و تخصیص کالاها و خدمات به افرادی می‌شود که تمایل و توانایی برای پرداخت بیشتری در مقابل آن می‌باشند.

جدول ۳: استانداردهای محتوایی اقتصادی آمریکا برای پایه چهارم

در پایان این مقطع پایه چهارم دانش آموز باید بداند:	در پایان این مقطع دانش آموز باید با استفاده از دانش مذکور بتواند:
تحلیل کند که چگونه زمانش را بعد از ظهر یکشنبه را تنظیم کند زمانی که گزینه‌های ممکن عبارتند از جمع‌آوری برگها برای کسب پول، رفتن به سینما با یک دوست و خرید در فروشگاه به همراه عمه. دانش آموزان باید استفاده‌های ممکن از زمان را شناسایی کرده و توضیح دهند که چگونه می‌توان تصمیم همه یا هیچ یا تصمیم به انجام مقدار بیشتر از یک فعالیت و مقدار کمتر از فعالیت دیگر امکان‌پذیر است	انتخاب مستلزم گرفتن مقداری بیشتر از یک چیز در برابر صرف نظر کردن از چیز دیگر است
هزینه چیزی است که وقتی شما هنگام تصمیم بر انجام یک کار باید بپردازید. نفع چیزی است که نیازهای شما برطرف می‌کند	هزینه چیزی است که وقتی شما هزینه‌ها (آنچه از دست می‌دهد) و منافع خریداری یک حیوان خانگی را فهرست کند

منبع: سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۶

جدول ۴: استاندارد محتوایی اقتصادی آمریکا برای پایه هشتم

دانش اموزان در پایان این مقطع (سال هشتم) باید بدانند	دانش اموزان در پایان این مقطع (سال هشتم) با استفاده از دانش مذکور باید بتوانند
افراد برای تعیین بهترین سطح مصرف محصولات اضافی را با هزینه‌های اضافی مصرفی بیشتر یا کمتر را با یکدیگر مقایسه کنند	این مسئله را حل کند: مادر بزرگ به شما ۳۰ دلار به عنوان هدیه تولد پرداخت می‌کند. شما می‌خواهید در مورد چگونگی هزینه‌کرد این مبلغ تصمیم بگیرید. شما چند گزینه خرید تی‌شرت (هر عدد ۱۵ دلار)، رفتن به سینما (هر فیلم ۱۰ دلار)، دعوت چند دوست به صرف پیتزا (هزینه هر نفر ۷.۵ دلار) را در نظر دارید. شما مجبور نیستند که همه این مبلغ را در یک مورد خرج کنید. شما می‌توانید بخشی از این پول را در یک مورد مصرف و باقیمانده را در مورد سایر گزینه‌ها خرج کنید. شما چگونه پولتان را خرج می‌کنید تا بیشترین رضایت خاطر را کسب کنید؟
منفعت نهایی به معنای تغییر در منفعت کل حاصل از یک کار است. هزینه نهایی نیز به معنای تغییر در منفعت کل انجام یک کار است.	منفعت نهایی خریداری و مصرف واحدهای بیشتر شوکولات را معین کند. این منفعت نهایی را با هزینه نهایی تهیه واحدهای اضافی شوکولات مقایسه کند.
اگر افراد هنگام فزونی منفعت نهایی یک فعالیت بر هزینه نهایی آن، بیشتر به انجام آن مبادرت کنند، وضعیت بهتری خواهند داشت. در مقابل، اگر هزینه نهایی یک فعالیت بیش از منفعت نهایی آن باشد؛ افراد با انجام کمتر آن کار می‌توانند در وضعیت بهتری قرار گیرند.	مفهوم منفعت نهایی و هزینه نهایی را در مورد کاهش آلودگی زیست‌محیطی به کار گیرد.
بسیاری از افراد هنگام تصمیم بین مصرف فعلی و پس‌انداز برای آینده صورت نمی‌گیرند.	منافع پس‌انداز برای دریافت مستمری در یک دوره طولانی را توضیح دهند.

منبع: سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۶

کمیته تعیین‌کننده این استانداردها مشخص کرده بود که دانش‌آموزان هریک از مفاهیم اقتصادی را در کدام یک از پایه‌های تحصیلی چهارم، هشتم و دوازدهم باید بیاموزند.

جدول ۲: استانداردهای محتوایی در زمینه اقتصاد برای دانش‌آموزان پیش از دانشگاه در پایه‌های تحصیلی چهارم، هشتم و دوازدهم

	پایه‌های تحصیلی	
	۴-۸	۸-۱۲
کمیابی	ج	ج ای
تصمیم‌گیری	ج	ج ای
تخصیص	ج	ج ای
مشوق‌ها	ج	ج ای
تجارت	ج	ج ای
تخصص‌گرایی	ج	ج ای
بازار و قیمت‌ها	ج	ج ای
نقش قیمت‌ها	ج	ج ای
رقابت و بازار	ج	ج ای
نهادهای پول و تورم	ج	ج ای
نرخ‌های بهره	-	ج ای
درآمد	ج	ج ای
کارآفرینی	ج	ج ای
رشد اقتصادی	ج	ج ای
نقش دولت و شکست بازار	ج	ج ای
شکست دولت	-	ج ای
نوسانات اقتصادی	-	ج ای
بیکاری و تورم	ج	ج ای
سیاست پولی و مالی	-	ج

ج: مفهوم جدید؛ ی: یادآوری مفهوم قدیمی با اضافه کردن

نکات جدید

منبع: سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۴۸۲

این کمیته برای هریک از مقاطع تحصیلی، سطح مورد قبولی را تعیین کرده است. برای نمونه، همان‌گونه که در سه جدول زیر نشان داده شده، سطح موردنیاز از اطلاعات و مهارت‌های لازم برای مقاطع سال چهارم، هشتم و دوازدهم به شکل زیر تعیین شده است:

۴. عامل اقتصادی ایده‌آل در الگوی آمریکایی تعلیم و

تربیت اقتصادی

هرچند ادعا شده که الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا براساس مباحث مورد توافق در رشته اقتصاد تنظیم شده؛ ولی کمیته تدوین الگو به صراحت عنوان می‌کند که در این الگو از پارادایم غالب در اقتصاد تبعیت شده است: «استانداردهای نهایی منعکس‌کننده دیدگاه اکثریت زیادی از اقتصاددانان معاصر در قابل الگوی نئوکلاسیک رفتار اقتصادی است». البته از نظر ایشان استفاده کمیته نویسنده از این پارادایم به معنای کنار گذاشتن دیدگاه‌های رقیب نیست؛ بلکه در پی این است که استانداردهای واحد و سازگاری را برای آموزش اقتصاد در مدارس آمریکا فراهم کند؛ چراکه انعکاس سایر دیدگاه‌ها باعث سردرگمی معلمان و دانش‌آموزان می‌شود (سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۷۱). البته آنان اذعان می‌کنند که استانداردها برای این نوشته شده که دانش‌آموزان استدلال و مهارت برای تصمیم‌گیری اقتصادی بر پایه مدل نئوکلاسیکی رفتار اقتصادی را فراگیرند (همان، ص ۷۱). انتظار می‌رود که فراگیری این مهارت‌ها باعث شود که آنها زندگی بهتری داشته باشند و بتوانند نقش‌هایشان در جامعه را همراه با مسئولیت‌پذیری ایفا کنند (همان).

با دقت در استانداردهای محتوایی الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا می‌توان دریافت که الگوی نئوکلاسیکی رفتار اقتصاد در این الگو مخفی است. در واقع الگوی آموزشی پیشنهادی به دنبال آن است که به دانش‌آموزان این ایده را القا کند که نظام اقتصادی بازار آزاد عملکرد اقتصادی خوبی دارد و تنها باید آن را با مداخلات حداقلی دولت در شرایط شکست بازار تقویت کرد. به بیان دیگر، فرض ضمنی این الگو این است که نظام اقتصادی بازار آزاد به شکل مناسبی می‌تواند منابع کمیاب را به نیازهای بی‌شمار تخصیص دهد.

در مدل نئوکلاسیکی تعلیم و تربیت اقتصادی، انسان اقتصادی عاقل به عنوان عامل اقتصادی ایده‌آل در نظر گرفته می‌شود. فرد مزبور در پی بیشینه‌سازی مطلوبیت و سود خود با توجه به محدودیت‌های بودجه خود است. در چارچوب الگوی تعلیم و تربیت نئوکلاسیکی ادعا می‌شود که الگوی رفتاری انسان اقتصادی عاقل باعث تأمین منافع اجتماعی نیز خواهد شد؛ چراکه دست نامرئی بازار باعث ایجاد هماهنگی بین افراد خودخواه خواهد شد.

جدول ۵: استانداردهای محتوایی اقتصادی آمریکا، پایه دوازدهم

دانش‌آموزان در پایان این مقطع (سال دوازدهم) باید بدانند	دانش‌آموزان در پایان این مقطع (سال دوازدهم) با استفاده از دانش مذکور باید بتوانند
تولیدکننده برای دستیابی به سطحی از تولید که در آن سود بیشینه شود و میزان استخدام کارگران و سایر منابع تولید در سطح بهینه باشد، باید منفعت/هزینه نهایی افزایش اندکی در میزان محصول تولیدی را با منفعت/هزینه نهایی اندکی کاهش در محصول را مقایسه کند.	تصمیم بگیرد که برای بیشینه شدن سود در یک واحد کارواش پس از مقایسه هزینه استخدام یک کارگر جدید با درآمد آن چه تعدادی کارگر استخدام کند.
برای تعیین سطح بهینه یک برنامه سیاست عمومی، رای دهندگان و مقامات دولتی باید منافع نهایی و هزینه نهایی ارائه مقداری کمتر یا بیشتر از یک خدمت عمومی را مقایسه کنند.	با استفاده از مفهوم هزینه نهایی و منفعت نهایی، طرح‌های مختلف برای جذاب‌تر کردن ساختمان مدرسه را ارزیابی کنند و بهترین طرح را انتخاب و از آن دفاع کنند.
برای مقایسه منافع نهایی و هزینه‌های نهایی در زمان‌های مختلف باید منافع و هزینه‌ها را تعدیل کرد تا ارزش آنها در زمان تصمیم‌گیری مشخص شود. تعدیل مزبور منعکس‌کننده عواید انتظاری سرمایه‌گذاری‌ها در طول زمان می‌باشد.	بحث کنند که چگونه یک شرکت باید طرح سرمایه‌گذاری با هزینه ده هزار دلار در زمان حاضر و دوازده هزار دلار عایدی پس از گذشت یک سال، قضاوت کند.
هزینه‌هایی که اکنون متحمل شدیم و منافعی که اکنون به دست می‌آوریم را باید به عنوان هزینه مرده و عامل غیرمرتبط برای تصمیم‌گیری در مورد آینده به حساب آورد.	توضیح دهند که چرا گم کردن بلیط کنسرت ربطی به تصمیم‌گیری برای خرید بلیط دیگر ندارد. توضیح دهند که چرا برخی افراد هزینه بلیط گمشده را در تصمیم‌گیری برای خرید بلیط دیگر در نظر می‌گیرند؛ حتی زمانی که پول کافی برای این کار را دارند.
مردم گاهی منافع و هزینه‌ها را به شکل واحدی ارزیابی نمی‌کنند.	توضیح دهند که چرا برخی مردم ۱۰۰ دلاری را که در خیابان پیدا می‌کنند را متفاوت از ۱۰۰ دلاری می‌دانند که گم کرده‌اند.
برخی از تصمیم‌ها متضمن پذیرش ریسک است به گونه‌ای که داری منافع یا هزینه‌ها نامطمئن است. پذیرش ریسک یک هزینه است. در حالت وجود ریسک در زمان حاضر باید هزینه‌ها نسبت به زمانی که ریسک وجود ندارد، بیشتر در نظر گرفت.	توضیح دهند که چرا بیشتر مردم سرمایه‌گذاری با هزار دلار سود قطعی را بر سرمایه‌گذاری با سود دو هزار دلار با احتمال ۵۰ درصد و سود صفر با احتمال ۵۰ درصد ترجیح می‌دهند.
ریسک را می‌توان با متنوع‌سازی کاهش داد.	توضیح دهند که چرا سرمایه‌گذاری در صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک رواج پیدا کرده است. توضیح دهند که چرا منطقی است که فردی چترش را می‌فروشد، کرم ضد آفتاب نیز بفرود؟

منبع: سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۷۶.

به نظر جیمز بوکانان (۱۹۹۱)، استدلال ارائه شده در مورد کارکرد رفتاری انسان اقتصادی عاقل مبتنی بر سه فرض هستی‌شناختی اتمیسم (فردگرایی روش‌شناختی)، عقلانیت و نظم خودجوش بازار است (بوکانان، ۱۹۹۹، ص ۱۴ و ۲۲). اتمیسم حاوی این ایده است که رفتار افراد را می‌توان با توجه به عوامل درونی همچون انگیزه‌ها و نه به‌عنوان محصول فشار عوامل بیرونی تبیین کرد (چپرستمن، ۲۰۰۳). اتمیسم به همان ایده فردگرایی روش‌شناختی اشاره دارد که براساس آن فرد، و نه مقولات جمعی مانند خانواده و قبیله، به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته می‌شود. عقلانیت نیز منطق تصمیم‌گیری عاملان اقتصادی را مشخص می‌کند. عقلانیت بدین معنا در نظر گرفته می‌شود که عامل اقتصادی عاقل مطلوبیت یا سودش را با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای بیشینه می‌سازد. و بالاخره سازوکار نظم خودجوش بازار به عملکرد نظام بازار آزاد اشاره دارد. ادعا می‌شود که انتخاب‌های انسان‌های اقتصادی عقلایی در نهایت باعث تأمین منافع جمع می‌شود. *آدام اسمیت* از استعاره دست‌نمائی برای اشاره به ظرفیت بازار آزاد برای تضمین منافع اجتماعی استفاده می‌کند.

اقتصاددانان نئوکلاسیک برای اثبات ادعایشان در مورد کارآمدی انتخاب‌های افراد عقلایی خودخواه در چارچوب نظام بازار آزاد اقدام به گسترش مباحث نظریه قیمت در اقتصاد خرد کرده‌اند. براساس این نظریه، قیمت‌های بازاری در شرایط رقابت کامل باعث هماهنگی عرضه و تقاضا در راستای دستیابی به حداکثر رفاه اجتماعی می‌شوند. ادعا می‌شود که بازار رقابت کامل باعث عرضه محصولات با کمترین قیمت ممکن می‌شود. در نتیجه هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده از این وضعیت منتفع می‌شود؛ چراکه در این حالت اضافه‌رفاه تولیدکننده و مصرف‌کننده بیشینه می‌شود. از نظر ایشان، چنین نظام اقتصادی نظامی خودتنظیم‌کننده است. اگر عدولی از تعادل صورت گیرد نیروهای بازار وضعیت را به سمت تعادل باز خواهد گرداند. به همین خاطر آنها استدلال می‌کنند که بازار رقابت کامل بهترین راه برای تخصیص منابع کمیاب به نیازهای بی‌شمار است.

۵. فقدان معنویت و اخلاق در الگوی متعارف تعلیم و تربیت اقتصادی

الگوی سنتی تعلیم و تربیت اقتصادی برای مقطع آموزش عمومی

(پیش از دانشگاه) به‌دنبال انسان اقتصادی است که هدف اصلی‌اش بیشینه‌سازی نفع شخصی (مطلوبیت یا سود) است. با ملاحظه ۲۰ مفهوم معرفی شده در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا می‌توان ملاحظه کرد که عامل اقتصادی ایده‌آل مطرح شده چیزی جز انسان اقتصادی نیست. در بین این مفاهیم اثری از اموری همچون اخلاق و معنویت به چشم نمی‌خورد.

استانداردهای محتوایی در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا به‌دنبال این است که به دانش‌آموزان این نکته را القا کند که بیشینه‌سازی نفع شخصی در بازار رقابت و در وضعیت کم‌یابی نه‌تنها باعث می‌شود که «بالاترین منفعت ممکن نصیب فرد شود» (استاندارد ۴: مشوق‌ها؛ سال دوازدهم، ش ۱)؛ بلکه «رفاه ملی را نیز ارتقا می‌دهد» (استاندارد ۹: رقابت و ساختار بازار؛ پایه دوازدهم، ش ۱).

– واکنش به مشوق‌ها غالباً قابل پیش‌بینی است؛ زیرا مردم عموماً نفع شخصی خود را دنبال می‌کنند و یا به شکلی سازگار از نفع شخصی خود فاصله می‌گیرند (استاندارد ۴: مشوق‌ها؛ پایه هشتم، ش ۱)؛

– مردم به‌عنوان مصرف‌کننده، تولیدکننده، کارگر، پس‌اندازکننده، سرمایه‌گذار و شهروند به مشوق‌ها واکنش نشان می‌دهند تا منابع کم‌یابشان بیشترین خالص منفعت ممکن را برایشان ایجاد کند (استاندارد ۴: مشوق‌ها، پایه دوازدهم، ش ۱)؛

– مردم تمایل دارند که رفتار منصفانه را با رفتار منصفانه و رفتار غیرمنصفانه را با انتقام‌جویی پاسخ دهند؛ حتی اگر این واکنش موجب بیشینه‌شدن ثروت مادی آنها نشود (استاندارد ۴، مشوق‌ها، پایه دوازدهم، ش ۳)؛

– دنبال کردن نفع شخصی در بازارهای رقابتی غالباً منجر به انتخاب‌ها و رفتارهایی می‌شود که به‌نوبه خود موجب تقویت رفاه در سطح ملی می‌شود (استاندارد ۹: رقابت و ساختار بازار، پایه دوازدهم، ش ۱).

در میان مفاهیم معرفی شده، مفهوم تصمیم‌گیری با رویکردی نئوکلاسیکی معرفی شده است. در این چارچوب، به‌صراحت به دانش‌آموزان توصیه شده که با استفاده از رویکرد مارجینالیستی اقدام به انتخاب کنند؛ رویکردی که با دیدگاه مطلوبیت‌گرایی سازگار است: – افراد برای تعیین بهترین سطح مصرف یک کالا باید منفعت

نهایی استفاده از مقداری بیشتر یا کمتر از آن کالا را با هزینه‌های نهایی آن مقایسه کنند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه هشتم، ش ۱)؛

– منفعت نهایی برابر با تغییر در منافع کل در نتیجه یک انتخاب

- هزینه چیزی است که فرد هنگام تصمیم بر انجام کاری باید از آن صرف نظر کند. منفعت چیزی است که امیال شما را برآورده می کند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه چهارم، ش ۲).

در مدل تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا، رویکرد مارجینالیستی حتی در مورد انتخاب‌های بین دوره‌های نیز مطرح شده است. براین اساس، از دانش‌آموزان خواسته شده که منفعت نهایی و هزینه نهایی را در طول زمان و با استفاده از تکنیک تنزیل مقایسه کنند:

- برای مقایسه منفعت نهایی و هزینه نهایی تحقق یافته در زمان‌های مختلف، منافع و هزینه‌ها را باید به گونه‌ای تعدیل کرد که ارزش زمان را در هنگام انتخاب منعکس کند. چنین تعدیلی منعکس‌کننده عواید انتظاری سرمایه‌گذاری در طول زمان است (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه دوازدهم، ش ۳)؛

- هزینه‌هایی که در زمان حال متحمل شدیم و منافعی که هم‌اکنون بدان دست یافتیم، مقادیری مرده هستند که برای تصمیم‌های آتی ارقامی نامربوط اند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه دوازدهم، ش ۴)؛

- مردم گاهی نمی‌توانند منافع و ضررها را به شکل یک‌سانی ارزیابی کنند؛ به گونه‌ای که تأکید بیشتری روی ضررها دارند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه دوازدهم، ش ۵).

در مدل مزبور به انتخاب‌های ریسکی هم توجه شده و بر ضرورت مقایسه منافع و هزینه‌های نهایی انتظاری تأکید شده است:

- برخی تصمیم‌ها مستلزم پذیرش ریسک است؛ به گونه‌ای که منافع یا هزینه‌ها نامطمئن هستند. پذیرش ریسک باعث ایجاد هزینه می‌شود. وقتی ریسک به زمان حال تعلق دارد، هزینه‌ها را باید بیشتر از زمانی تعیین کرد که ریسک متعلق به زمان حال نیست (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه ۱۲، ش ۶)؛

- ریسک را می‌توان با تنوع‌بخشی کاهش داد (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه ۱۲، ش ۷)؛

- لازمه این امر آن است که هزینه‌ها و منافع انتظاری با یکدیگر مقایسه شوند.

براساس الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا، سازوکار قیمت‌ها باعث می‌شود که نفع شخصی و نفع اجتماعی به شکلی اتوماتیک و تنها با مداخله حداقلی دولت به دست آید:

- اگر قیمت بالاتر از قیمت تسویه‌کننده بازار بود، این قیمت در

است. هزینه نهایی برابر با تغییر در هزینه کل، ناشی از یک انتخاب است (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه هشتم، ش ۲)؛

- هنگامی که منفعت نهایی یک فعالیت بر هزینه نهایی آن غلبه کند، افراد بهتر است که بیشتر به انجام آن فعالیت مبادرت کنند؛ اگر هزینه نهایی بر منفعت نهایی غلبه کرد، بهتر است که افراد کمتر آن فعالیت را انجام دهند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه هشتم، ش ۳)؛
- بسیاری از مردم هنگام انتخاب بین مصرف کنونی و پس‌انداز برای آینده قادر به خویش‌داری نیستند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه هشتم، ش ۴)؛

- تولیدکنندگان برای تولید سطح محصول بیشینه‌کننده سود و استخدام مقدار بهینه کارگر و سایر عوامل تولید باید منفعت نهایی و هزینه نهایی تولید مقداری بیشتر از آن محصول را با منفعت نهایی و هزینه نهایی تولید مقداری کمتر از آن مقایسه کنند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه دوازدهم، ش ۱)؛

- رای‌دهندگان و دولتمردان برای تعیین سطح بهینه یک برنامه سیاست عمومی باید منافع نهایی و هزینه نهایی ارائه مقدار بیشتر یا کمتر از یک خدمت عمومی را با یکدیگر مقایسه کنند (استاندارد ۲: تصمیم‌گیری، پایه دوازدهم، ش ۲).

در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا، هزینه‌ها و منافع براساس مفهوم هزینه فرصت تعریف شده که با مصرف کالاها و خدمات در ارتباط است:

- خواسته‌ها و تمایلات اقتصادی را می‌توان با مصرف یک کالا (یک شیء)، یک خدمت (یک کنش) و یا با یک فعالیت تفریحی برآورده کرد (استاندارد ۱: کمیابی، پایه چهارم، ش ۲)؛
- انتخاب مشتمل بر صرف‌نظر از چیزی است؛ زیرا منابع محدودند (استاندارد ۱: کمیابی، پایه چهارم، ش ۴)؛

- انتخاب خوب باید متضمن بده و بستان ارزش انتظاری یک فرصت با ارزش انتظاری بهترین جایگزین آن باشد (استاندارد ۱: کمیابی، پایه هشتم، ش ۲)؛

- افراد در انتخاب‌ها پیامدهای حال و آینده را در نظر می‌گیرند (استاندارد ۱: کمیابی، پایه هشتم، ش ۳)؛

- ارزیابی انتخاب‌ها و هزینه‌های فرصت امری ذهنی است؛ چنین ارزیابی از فردی به فرد دیگر و از جامعه به جامعه دیگر متفاوت است (استاندارد ۱: بیکاری، پایه هشتم، ش ۴)؛

(استاندارد ۱۶: نقش دولت و شکست بازار، پایه ۱۲، ش ۱). البته در مدل، به شکست دولت نیز توجه شده است؛ پدیده‌ای که در صورت غلبه هزینه‌های سیاست‌های دولت بر منافع، رخ می‌دهد (سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۴۱).

سیاست‌های دولت برای تصحیح نقصان بازار زمانی از نظر اقتصادی قابل قبول نیست که هزینه‌های مداخله دولت بر منافع انتظاری آن غلبه کند (استاندارد ۱۷: شکست دولت Government Failure، پایه ۱۲، ش ۱).

در نگاهی کلی استانداردهای محتوایی در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا، مروج انسان اقتصادی عاقلی است که همواره به دنبال بیشینه‌سازی منفعت نهایی انتظاری خود است. چنین فردی همواره منفعت نهایی مصرف کالاها و خدمات را با هزینه نهایی آن در طول زمان مقایسه می‌کند.

۶. هزینه‌های ضمنی الگوی متعارف تعلیم و تربیت اقتصادی

برخی اقتصاددانان نسبت به هزینه‌های جانبی سیستم رایج آموزش اقتصاد در دانشگاه‌ها هشدار داده‌اند؛ هشداری که در مورد آموزش اقتصاد در مدارس نیز قابل طرح است. از نگاه تعداد قابل توجهی از محققان، دانشجویان اقتصاد خودخواه‌تر از دانشجویان سایر رشته‌ها هستند؛ خصلتی که تا حدودی نتیجه نظام آموزشی دانشکده‌ای اقتصاد است (مارول و آمس، ۱۹۸۱؛ کارتر و ایرونز، ۱۹۹۱؛ فرانک، گیلویچ و رگ، ۱۹۹۳؛ باومن و روس، ۲۰۰۹).

نتایج مطالعه جرالده مارول و روث آمس (۱۹۸۱) نشان داد که دانشجویان رشته اقتصاد با احتمال بیشتری در مطالعات تجربی آزمایشگاهی در زمینه میزان مشارکت خصوصی در تولید کالاهای عمومی مرتکب سوار مجانی free-ride می‌شوند (فرانک، گولویچ و رگ، ۱۹۹۳، ص ۱۶۰). جان کارتر و میسائیل آیرونز (۱۹۹۱) با بررسی رفتار اقتصاددانان در بازی اولتیماتوم (ultimatum bargaining game) سعی کردند تا میزان خودخواهی آنها را اندازه بگیرند. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که دانشجویان دوره‌های عالی اقتصاد بیشتر از دانشجویان سطوح پایین‌تر براساس پیش‌بینی‌های مدل نفع شخصی رفتار می‌کنند (همان، ص ۱۶۱).

نتایج مطالعه فرانک و همکاران (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که رفتار

نهایت کاهش خواهد یافت و باعث می‌شود که فروشندگان مقدار کمتری تولید کنند و خریداران مقادیر بیشتری خریداری کنند. اگر قیمت پایین‌تر از قیمت تسویه‌کننده بازار بود، قیمت در نهایت افزایش می‌یابد و باعث می‌شود که فروشنده اقدام به تولید مقادیر بیشتری کند و مصرف‌کننده نیز مقادیر کمتری را خریداری کند (استاندارد ۷: بازارها و قیمت‌ها، پایه هشتم، ش ۴)؛

افزایش در قیمت یک کالا یا خدمت مردم را تشویق می‌کند تا به دنبال جایگزین باشند؛ این امر باعث کاهش تقاضا می‌شود. عکس این حالت نیز صادق است. این رابطه بین قیمت و مقدار تقاضا شده با عنوان قانون تقاضا یاد می‌شود؛ این رابطه زمانی وجود دارد که سایر عوامل اثرگذار بر تقاضا تغییر نکنند (استاندارد ۸: نقش قیمت‌ها، پایه هشتم، ش ۱)؛

افزایش در قیمت یک کالا یا خدمت، تولیدکنندگان را به عرضه بیشتر تشویق می‌کند. عکس این حالت نیز صادق است. این رابطه بین قیمت و مقدار عرضه معمولاً زمانی برقرار است که سایر عوامل تأثیرگذار بر هزینه‌های تولید و عرضه تغییر نکنند (استاندارد ۸: نقش قیمت‌ها، پایه هشتم، ش ۲)؛

رقابت بین فروشندگان باعث کاهش هزینه‌ها و قیمت‌ها و افزایش کیفیت کالا، و یا خدمات بهتر به مشتریان می‌شود. با محدود شدن میزان رقابت بین فروشندگان، فروشندگان روی قیمت تعیین شده، کنترل خواهند داشت (استاندارد ۹: رقابت و ساختار بازار، پایه هشتم، ش ۲).

البته در استانداردهای محتوایی در الگوی تعلیم و تربیت آمریکا، امکان شکست بازار نیز مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به امکان شکست بازار، عنوان شده که «دولت غالباً امنیت ملی را تأمین می‌کند؛ به دغدغه‌های زیست‌محیطی توجه می‌کند؛ حقوق مالکیت را تعریف کرده و از آن صیانت می‌کند و تلاش می‌کند تا بازار را رقابتی‌تر کند. به همین خاطر «در اقتصاد بازار، زمانی دولت نقش ایفا می‌کند که منافع سیاست‌های دولت بر هزینه‌های آن غلبه کند (سیگفارد و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۳۸).

بازارها در چند حالت منابع را به شکل کارآمد تخصیص نمی‌دهند: اول، زمانی که حقوق مالکیت به‌وضوح تعریف یا تضمین نشده است؛ دوم زمانی که آثار بیرونی externalities (اثرات سرایت spillover effects) باعث شود که تعداد زیادی از مردم به تولید یا مصرف یک کالا روی آورند؛ سوم، زمانی که بازار رقابتی نباشد

بدان معناست که انسان اقتصادی نیز در خطر است و با مشکل شکست انسانیت مواجهیم؛ شکستی که ریشه در شکست معنوی و اخلاقی انسان دارد. چنین شکستی زمانی محقق می‌شود که انسان ریشه‌های خود را فراموش کرده و ارتباط خود با خداوند متعال را قطع کند. در قرآن مجید آمده است که: مانند کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند؛ ما کاری می‌کنیم که آنها خودشان را از یاد ببرند (حشر: ۱۹).

می‌توان استدلال کرد که شکست بازار و دولت نیز ریشه در شکست انسانیت دارد. بازار و دولت بدین خاطر در انجام درست کار کرده‌ایشان شکست می‌خورند که افراد از عقلانیت واقعی فاصله می‌گیرند.

۸. ساختاربندی اخلاقی در اقتصاد اسلامی

اسلام برای حل مشکل شکست انسانیت تلاش می‌کند تا اخلاق و معنویت را در اقتصاد وارد کند. یکی از راهبردهای اسلامی در این زمینه معرفی رفتار اقتصادی به عنوان عبادت است؛ رهیافتی که باعث می‌شود دو عرصه فرهنگ و اقتصاد با یکدیگر ارتباط یابند. اسلام برخی نهادهای اجتماعی - اقتصادی را نیز برای ارتقای معنویت در افراد به کار گرفته است. برای نمونه، در نظام مالیاتی اسلام، خمس و زکات به گونه‌ای طراحی شدند که نه تنها نقش خود در تأمین مالی دولت و فقرا را ایفا می‌کند؛ بلکه کارکردی معنوی برای تهذیب پرداخت‌کنندگان آن نیز دارد. همچنین اسلام هنجارهای اجتماعی مانند درآمد حلال، سخت‌کوشی، اعتدال در مصرف و ایشار را ترویج می‌کند. درونی‌سازی این هنجارها در افراد جامعه می‌تواند به حل مشکل شکست انسانیت کمک کند.

الف. رفتار اقتصادی به عنوان نوعی عبادت

یکی از راهبردهای اسلام برای ورود اخلاق و معنویت به اقتصاد این است که فعالیت اقتصادی به عنوان نوعی عبادت خداوند قلمداد شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمایند عبادت خداوند ده جزء دارد و نه جزء آن در طلب روزی حلال است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۹). در نگرش اسلامی، هر فعالیتی را می‌توان به عبادت خداوند تبدیل کرد به شرط آنکه فرد قصد قربت داشته باشد. در فرهنگ اسلامی، تلاش برای کسب روزی حلال همانند

سوار مجانی (عدم کمک به خیریه) در بین اقتصاددانان بیش از دو برابر محققان شش رشته مورد بررسی در مطالعه ایشان بوده است (همان، ص ۱۶۲). نتایج بررسی آنها نشان داد که اقتصاددانان بیشتر از سایرین اهداف بازی را در قالب واژگان حاکی از نفع شخصی تفسیر می‌کنند و به همین خاطر با احتمال بیشتری به آن ویژگی‌های بازی استناد می‌کنند (همان، ص ۱۶۶-۱۶۷). آنان دریافته‌اند که نرخ بالاتر عدم همکاری اقتصاددانان تا حدودی بدین خاطر است که اقتصاددانان بیشتر انتظار دارند که طرف مقابل نقض عهد کند. فر/نک و همکاران (۱۹۹۳) همچنین دریافته‌اند که هرچند انتظارات در مورد عملکرد طرف مقابل بازی نقش زیادی در پیش‌بینی رفتار دارد، نرخ عدم همکاری در مورد اقتصاددانان بیشتر از غیراقتصاددانان است؛ حتی در زمانی که آنها انتظارات یکسانی نسبت به عملکرد طرف دیگر بازی داشتند (همان، ص ۱۶۷). یافته‌های ایشان همچنین نشان می‌دهد که شواهد تجربی این ایده را تأیید می‌کند که چنین تفاوتی تا حدودی با شیوه تعلیم و تربیت در رشته اقتصاد مرتبط است (همان، ص ۱۷۱).

باتمن و روس (۲۰۰۹) با بررسی داده‌های مرتبط با میزان مبالغ‌اهدایی دانشجویان دانشگاه واشنگتن دریافته‌اند که دانشجویان اقتصاد در سال‌های بالاتر کمتر از دیگر دانشجویان به خیریه کمک می‌کنند. ایشان همچنین دریافته‌اند که دانشجویان سال بالاتر نسبت به دانشجویان سال پایین وضعیت بدتری دارند (باومن و روس، ۲۰۰۹، ص ۱).

۷. از شکست بازار و دولت تا شکست انسانیت (انسان اقتصادی در خطر)

هرچند مدل آمریکایی تعلیم و تربیت اقتصادی به درستی به ریسک کیفیت پایین آموزش اقتصادی در آمریکا توجه کرده است؛ ولی راه‌حل را در تربیت انسان اقتصادی در مدارس یافته است. در نگاه قرآنی، انسان‌ها در زبان و خسرانند؛ مگر کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام داده و یکدیگر را به صبر و حقیقت توصیه کنند (عصر: ۳-۲).

انسان اقتصادی بدون ایمان و معنویت کارکرد خوبی در اقتصاد ندارد. همان‌گونه که بازار و دولت در پاره‌ای از موارد با شکست مواجه می‌شوند، انسان اقتصادی نیز با مشکل شکست روبه‌روست. این

افراد خواسته می‌شود که سخت کار کنند، در حد کفاف مصرف کنند و مازاد درآمدشان را به فقرا و مستمندان انفاق کنند. نهادینه شدن هنجار اعتدال در مصرف، نه تنها مانع از اسراف و تبذیر می‌شود؛ بلکه باعث می‌شود که مردم بتوانند بخشی از درآمدشان را در راه خداوند و برای کمک به فقرا انفاق کنند. از این رو ترویج سه ارزش سخت‌کوشی، اعتدال و ایثار باعث تأمین هم‌زمان عدالت و کارایی می‌شوند.

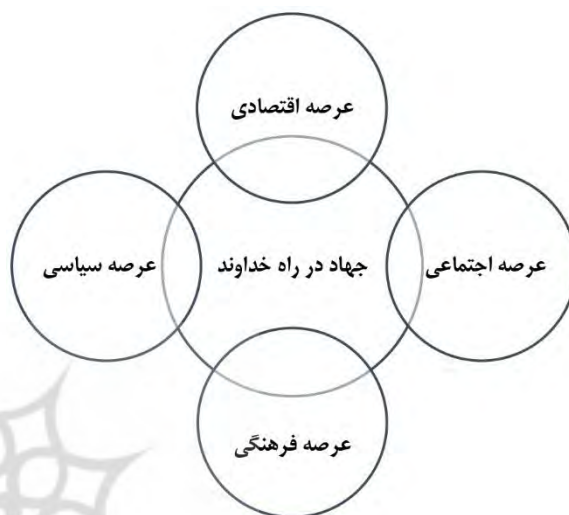
د. مالیات‌های اسلامی و هدف‌گذاری تزکیه

یکی از ویژگی‌های برجسته نظام بازتوزیع درآمد و ثروت در اسلام این است که خمس، زکات و انقاقات تنها به هدف فقرزدایی و تأمین مالی دولت گرفته نمی‌شوند؛ بلکه اسلام به دنبال تزکیه افرادی است که به پرداخت انقاقات واجب و مستحب اقدام می‌کنند. خداوند متعال، از پیامبر اکرم ﷺ می‌خواهد که از مسلمانان زکات بگیرد تا بدین وسیله آنها را تزکیه و تطهیر کنی: «ای پیامبر از اموال ایشان زکات بگیر تا آنها را تزکیه کنی؛ و بر آنها درود فرست؛ چراکه درودفرستادن تو باعث آرامش خاطرشان خواهد شد» (توبه: ۳). مسلمانان خمس و زکات را باید با قصد قربت و برای رضای خدا پرداخت کنند؛ وگرنه مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. اسلام با معرفی نظام پرداخت داوطلبانه خمس و زکات تلاش می‌کند تا انگیزه درونی افراد را برای پرداخت آن تقویت کند. در این چارچوب افراد خود اقدام به محاسبه خمس و زکات خود می‌کنند. این در حالی است که در نظام مالیاتی متعارف از یک چارچوب کنترلی برای تقویت تمکین مالیاتی استفاده می‌شود. در رویکرد اسلامی، اخلاق نقشی اساسی در تمکین مالیاتی ایفا می‌کند. نتایج برخی مطالعات نیز نشان می‌دهد که استفاده از کنترل و مشوق‌های مالی می‌تواند مشکلاتی را برای انگیزه درونی برای پرداخت مالیات ایجاد کرده و اخلاق مالیاتی را تضعیف کند (توکلی، ۱۳۹۵).

به نظر می‌رسد که اسلام یک نظام مالیاتی مبتنی بر خوداظهاری را گسترش داده که انگیزه‌های اخلاقی برای تمکین مالیاتی را تقویت می‌کند. در این نظام، قصد خیر ضروری است؛ چراکه از نهاد مالیات اسلامی انتظار می‌رود که به تزکیه مردم کمک کند.

جهاد در راه خداوند قلمداد شده است. امیرمؤمنان علیؓ در این باره می‌فرماید: کسی که خود را برای کسب روزی حلال به زحمت می‌اندازد، وی همانند کسی است که در راه خداوند جهاد می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۸).

شکل ۱: عرصه‌های مختلف زندگی



ب. فرهنگ درآمد و تولید حلال و طیب

اسلام گسترش فرهنگ تولید و درآمد حلال و طیب را هدف‌گذاری کرده است. تولید حلال و طیب ناظر به کالاها و خدماتی است که پاک و پاکیزه بوده و از هرگونه آلودگی عاری باشند. تولید طیب تولیدی است که هیچ‌گونه ضرری به افراد جامعه نمی‌رساند. تولید طیب نه تنها ضرر زیست‌محیطی ندارد؛ بلکه به محیط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز ضرری نمی‌زند. برای نمونه، مشروبات الکلی در زمره تولیدات طیب قرار نمی‌گیرند؛ چون برای جسم و روح انسان مضرند. براساس منطق تولید طیب، حتی کالاهای فرهنگی غیرمرغوب هستند. در نگرش اسلامی، شیوه تولید نیز باید طیب باشد؛ از این رو تولیدی که با استفاده از روش‌های غیرقابل قبول صورت گیرد، موردنظر اسلام نیست. برای نمونه، تولیدی که به روش ربوی تأمین مالی شده باشد، تولید طیب نیست.

ج. هنجارهای سازگار سخت‌کوشی، اعتدال و ایثار

در اقتصاد اسلامی هنجار سخت‌کوشی، اعتدال و ایثار به ترتیب در سه حوزه تولید، مصرف و توزیع ترویج می‌شود. در این چارچوب، از

۹. درآمدی بر الگوی اسلامی تعلیم و تربیت اقتصادی

اقتصاددانان مسلمان توجه چندانی به الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی نکرده‌اند. در برخی مطالعات به اهمیت مسائلی چون اخلاق در نظام اقتصادی اسلام شده؛ ولی مدلی برای سیاست‌گذاری در حوزه تعلیم و تربیت اقتصادی در رویکرد اسلامی ارائه نشده است. با این وجود، در آیات قرآن مجید و روایات معصومان^{علیهم‌السلام} اشارات ارزشمندی نسبت به تعلیم و تربیت اقتصادی وجود دارد.

۱۰. هدف تعلیم و تربیت اقتصادی در اسلام

برای تدوین مدل تعلیم و تربیت اقتصادی اسلامی باید عامل اقتصادی ایده‌آل از نقطه نظر اسلام و همچنین سبک زندگی اقتصادی اسلامی را معرفی کنیم. انسان اقتصادی ایده‌آل مسلماً از انسان اقتصادی متعارف متمایز است. انسان اقتصادی ایده‌آل اسلام را می‌توان انسان اقتصادی کامل برخوردار از عقلانیت معنوی نامید. یکی از لوازم پذیرش عقلانیت معنوی در اقتصاد اسلامی معرفی شکلی خاص از سبک زندگی اقتصادی است که از مدل رفتار اقتصادی در رویکرد اقتصاد نئوکلاسیکی متمایز است.

۱۰-۱. سبک زندگی اقتصادی اسلامی

در رویکرد اسلامی، عاملان اقتصادی دارای عقلانیت ناقص هستند. نقصان عقلانیت ریشه در مشکلات موجود در کسب اطلاعات، مدیریت امیال و یافتن بهترین راه برای تأمین نیازها دارد. مذهب و از جمله اسلام به عامل اقتصادی کمک می‌کند تا نیازهای واقعی‌اش را دریابد، امیال و خواسته‌هایش را فیلتر کند و بهترین راه برای پاسخ‌گویی به نیازها را بیابد. ایدئولوژی، فقه و اخلاق اسلامی به کمک حل مشکل عقلانیت ناقص می‌آیند.

مصرف‌کننده برخوردار از عقلانیت کامل، از قوانین و دستورالعمل‌های اخلاقی اسلام هنگام مصرف تبعیت می‌کند. از آنجاکه یک مصرف‌کننده عاقل به خداوند و زندگی پس از مرگ باور دارد؛ وی به راحتی می‌تواند مخارج خود را براساس قوانین اسلامی و قواعد اخلاقی تعدیل کند. وی مصرف معتدلی خواهد داشت، از اسراف پرهیز می‌کند و مصرف خود از کالاهای لوکس را محدود می‌کند. انتظار می‌رود که چنین انسانی بخشی از درآمد خود را به انفاق واجب و

مستحب در راه خدا و کمک به مستمندان اختصاص دهد. در روایتی از امام صادق^{علیه‌السلام} چنین آمده است: اموال مال خداوند است که نزد افراد امانت گذاشته شده است؛ خداوند به آنها اجازه داده با رعایت اعتدال بخورند، بیاشامند، بپوشند، ازدواج کنند، از مرکب استفاده کنند و باقی‌مانده درآمدشان را به فقرا و مؤمن برگردانند و بدین وسیله... کسی که چنین کند وی این‌گونه است که از حلال خورده، آشامیده، مرکب برگزیده، و ازدواج کرده است؛ مازاد بر این بر وی حرام است؛ سپس حضرت فرمود: اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۵).

در نگرش اسلامی، تولیدکنندگان نیز با مشکل عقلانیت ناقص روبه‌رو هستند؛ چراکه آنان نیز در معرض برخورداری از باورهای امیال غیرعقلایی قراردارند. اسلام برای رفع مشکل عقلانیت ناقص به تولیدکنندگان توصیه می‌کند که از قوانین فقهی و قواعد اخلاقی همچون قاعده قیمت و سود منصفانه تبعیت کنند. اسلام با ترویج فرهنگ روزی حلال و طیب قصد دارد تخصیص بهینه منابع به نیازها را تسهیل کند. در نتیجه، یک مسلمان کامل از تابع تولیدی چند هدفه بهره‌مند است که در آن اهداف متعددی همچون کسب سود، حفظ محیط‌زیست و اولویت‌بخشی به تولید کالاهای ضروری تصمیم‌های او را جهت می‌دهد.

در رویکرد اسلامی، دست نامرئی بازار و دست مرئی دولت نمی‌تواند باعث تضمین سازگاری منافع شخصی و جمعی شود. ما به دست نامرئی اخلاق تحت ارشادات مذهب نیز نیاز داریم تا به‌عنوان سازوکار برای تربیت و تهذیب عاملان اقتصادی عمل کند و تصمیم‌های اقتصادی ایشان را تعدیل کند (حنیف، ۱۹۹۵، ص ۱۱۳-۱۱۴).

اقتصاد اسلامی مبتنی بر پارادایمی است که سکولار و ارزش‌خنثا نیست. اسلام انسان را به‌عنوان خلیفه خود در نظر گرفته و افراد را برادر یکدیگر قلمداد می‌کند. تمامی منابع در دست بشر امانت است و باید در مسیر تحقق سعادت همگانی و با توجه به ارزش‌های شریعت استفاده شود. اما در اسلام سعادت تنها تابع دارایی‌های مادی و مصرف نامحدود نیست؛ بلکه سعادت تابع تأمین متعادل نیازهای مادی و معنوی افراد است. این هدف با عملیاتی‌کردن مقاصد شریعت قابل دستیابی است (چپرا، ۲۰۰۰، ص ۵۵).

اخلاق به‌مثابه فیلتری عمل می‌کند که انتخاب تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را با اقتضائات زندگی اجتماعی هماهنگ می‌کند.

مفاهیم جدید در الگوی تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی ضروری است. در جدول (۶)، مفاهیم استاندارد محتوایی پیشنهادی در نظام تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی معرفی شده است. این مفاهیم به شکلی مقایسه‌ای با مفاهیم محتوایی در الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا مطرح است.

جدول ۶: مفاهیم استاندارد محتوایی در تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی در مقایسه با استانداردهای محتوایی ملی داوطلبان اقتصادی آمریکا

ردیف	مفاهیم استاندارد محتوایی در تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی	مفاهیم استاندارد محتوایی در نظام تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا
۱	کمیابی و توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت	کمیابی
۲	تصمیم‌گیری درست	تصمیم‌گیری
۳	تخصیص	تخصیص
۴	مشوق‌ها، انگیزه‌های درونی و بیرونی	مشوق‌ها
۵	تجارت طیب	تجارت
۶	تخصص‌گرایی و جهاد برای روزی حلال و طیب	تخصص‌گرایی
۷	بازار و قیمت‌ها	بازار و قیمت‌ها
۸	نقش قیمت‌ها و تسویه اخلاقی	نقش قیمت‌ها
۹	رقابت و همکاری	رقابت و بازار
۱۰	نهادها	نهادها
۱۱	پول و تورم	پول و تورم
۱۲	نرخ‌های سود	نرخ‌های بهره
۱۳	درآمد حلال و طیب	درآمد
۱۴	کارآفرینی	کارآفرینی
۱۵	پیشرفت اقتصادی	رشد اقتصادی
۱۶	نقش دولت و شکست بازار	نقش دولت و شکست بازار
۱۷	نقش اخلاق و شکست دولت	شکست دولت
۱۸	نوسانات اقتصادی	نوسانات اقتصادی
۱۹	تورم و بیکاری	تورم و بیکاری
۲۰	سیاست پولی، مالی و تربیت اقتصادی	سیاست پولی و مالی

مفاهیم محتوایی تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی از ویژگی‌های زیر برخوردارند:

۱. در این نظام مفهومی، به سه مقوله شکست بازار، دولت و انسانیت در اقتصاد توجه شده است؛

۲. شکست انسانیت به‌عنوان ریشه و اساس شکست بازار و دولت معرفی شده است؛

انتظار می‌رود که مصرف‌کنندگان پیش از ورود به بازار و قرار گرفتن در معرض فیلتر قیمت، تقاضاهای خود را از درون فیلتر اخلاقی عبور دهند. این اقدام بدان‌ها کمک می‌کند که مصارف تجملی، اسراف‌گونه و غیرضروری را فیلتر کنند. سازوکار قیمت‌ها می‌تواند پس از آن تقاضای مزبور را کاهش دهد و حتی به تحقق تعادل بازاری کمک کند. این دو فیلتر می‌توانند با کمک یکدیگر دستیابی بهینه در مصرف منابع را ممکن سازند؛ امری که پیش‌نیاز تأمین نیازهای مادی و معنوی تمام افراد بشر است (چپرا، ۲۰۱۴، ص ۴۶).

۲-۱۰. عامل اقتصادی فرهیخته

در جامعه مطلوب اسلامی، انسان اقتصادی متعارف مطلوب قلمداد نمی‌شود. چنین انسانی حتی به‌عنوان انسان موجود هم قلمداد نمی‌شود. اقتصاد اسلامی با در نظر گرفتن ابعاد معنوی بشر در کنار ابعاد مادی‌اش اقدام به معرفی نوعی انسان اقتصادی فرهیخته می‌کند. چنین انسانی در تله بازی دنیایی بیشینه‌سازی نفع شخصی گرفتار نمی‌شود. در مقابل، ولی به‌دنبال زندگی‌ای فضیلت‌مدار در این دنیا و در آخرت است. بر این اساس، احتیاط تنها یکی از ارزش‌های موردنظر او در کنار سایر ارزش‌ها از جمله عدالت، برابری و انصاف است. درواقع انسان اقتصادی فرهیخته در کنار انگیزه‌های نفع شخصی، از انگیزه‌های خیرخواهانه و دیگرگرایانه نیز برخوردار است.

انتظار می‌رود که انسان اقتصادی فرهیخته مشکل عقلانیت ناقص را با کسب اطلاعات مناسب، مدیری امیال و کشف بهترین ابزارها برای پاسخ به نیازها برطرف کند. چنین انسانی امیال و باورهای عقلایی دارد و با بهره‌مندی از تعالیم اسلامی بهترین راه را برای دستیابی به اهدافش برمی‌گزیند. بهره‌مندی از امیال عقلایی باعث می‌شود که انسان اقتصادی فرهیخته از انگیزه نفع شخصی و انگیزه‌های خیرخواهانه بهره‌مند باشد. در نتیجه ما به‌سمت آنچه عقلانیت معنوی می‌نامیم، خواهیم رفت.

۱۱. مفاهیم استاندارد محتوایی در تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی

از آنجاکه در رویکرد اقتصاد اسلامی شکست انسانیت به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر شکست بازار و دولت در نظر گرفته می‌شود؛ ارائه

نتیجه‌گیری

کارکرد اولیه نظام اقتصادی اسلامی ایجاد هماهنگی در تولید و توزیع درآمد و ثروت است. از این نظام انتظار می‌رود که در زمینه تعلیم و تربیت اقتصادی نیز ایفای نقش کند. اسلام تلاش برای کسب روزی حلال و طیب را به‌عنوان عبادت خداوند معرفی می‌کند. در نظام اقتصادی اسلام، زکات نهادی است که تنها عهده‌دار فقرزدایی یا تأمین مالی مخارج دولت نیست. اسلام تلاش می‌کند تا این نهاد اجتماعی - اقتصادی را در خدمت تزکیه عاملان اقتصادی نیز قرار دهد. به‌همین سبب داشتن قصد قربت هنگام پرداخت زکات و خمس، ضروری اعلام شده است. اسلام تلاش می‌کند تا فرهنگ تولید و درآمد حلال و طیب را در جامعه نهادینه کند و برای افراد این انگیزه را ایجاد کند که براساس موازین عدالت رفتار کنند.

نگاه فرهنگی اسلام به اقتصاد، ریشه در رویکرد هستی‌شناختی اقتصاد اسلامی دارد. اسلام انسان را موجودی با عقلانیت ناقص معرفی می‌کند. براساس نگرش قرآنی، انسان مطمئناً در حال زیان و ضرر است؛ مگر آنکه به خداوند ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد. از آنجاکه انسان در معرض فراموشی قرار دارد، لذا دائماً به تذکر و یادآوری نیاز دارد. از این‌رو تمامی نظام‌های اجتماعی باید در خدمت آگاه‌سازی انسان و کمک به وی برای فرار از تله فراموشی باشند. این امر مستلزم طراحی نوعی نظام تعلیم و تربیت اقتصادی است که به پرورش انسان اقتصادی فرهیخته برخوردار از عقلانیت معنوی کمک کند.

در دهه‌های اخیر اقتصاددانان توجه ویژه‌ای به اهمیت تعلیم و تربیت اقتصادی کرده‌اند. آنها اقدام به معرفی مدل‌هایی برای تعلیم و تربیت اقتصادی کرده‌اند. در این مدل‌ها به اهمیت اخلاق و معنویت در اقتصاد توجه نشده است. برای نمونه استانداردهای محتوایی تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا، به ترویج سبک زندگی اقتصادی مادی براساس پارادایم بیشینه‌سازی نفع شخصی (عقلانیت ابزاری) کمک می‌کند. براساس این، به دانش‌آموزان القا می‌شود که دست‌نامرئی بازار به‌خوبی منابع کمیاب را به نیازها تخصیص می‌دهد و تنها در مواردی محدود با شکست مواجه می‌شود. براساس این مدل مفهومی، دولت می‌تواند به رفع موارد شکست بازار و دستیابی به تعادل بازاری کمک کند؛ هرچند که خودش نیز با پدیده شکست دولت روبه‌روست.

۳. شکست انسانیت بدین خاطر اتفاق می‌افتد که افراد از عقلانیت ناقص برخوردارند. عاملان اقتصادی بدین خاطر دچار عقلانیت ناقص هستند که در دستیابی به اطلاعات، مدیریت امیال و یافتن بهترین راه برای تأمین نیازها با مشکلاتی روبه‌رو می‌باشند؛

۴. درونی‌سازی اخلاق و معنویت در عاملان اقتصادی راهی برای حل مشکل عقلانیت ناقص است؛

۵. اخلاق و عقلانیت در نقش فیلتری برای امیال عمل می‌کنند و می‌توانند به تحقق عقلانیت معنوی کمک کنند؛

۶. نهادها می‌توانند نقشی اساسی در درونی‌سازی اخلاق و معنویت در عاملان اقتصادی ایفا کنند؛

۷. نهاد اجتماعی - اقتصادی زکات، برای نمونه، تنها به‌عنوان یک نوع مالیات عمل نمی‌کند؛ بلکه به‌عنوان ابزاری برای تزکیه اخلاقی عاملان اقتصادی نیز عمل می‌کند؛

۸. سیاست‌های پولی و مالی باید با سیاست‌های تربیت اقتصادی همراه شوند.

جدول ۷: مفاهیم استاندارد محتوایی اسلامی براساس پایه تحصیلی

ش	مفاهیم	پایه تحصیلی		
		1-6	7-9	10-12
۱	کمیابی و توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت	✓	✓	✓
۲	تصمیم‌گیری درست	✓	✓	✓
۳	تخصیص	✓	✓	✓
۴	مشوق‌ها، انگیزه‌های درونی و بیرونی	✓	✓	✓
۵	تجارت طیب	✓	✓	✓
۶	تخصص‌گرایی و جهاد برای روزی حلال و طیب	✓	✓	✓
۷	بازار و قیمت‌ها	✓	✓	✓
۸	نقش قیمت‌ها و تسویه اخلاقی	✓	✓	✓
۹	رقابت و همکاری	✓	✓	✓
۱۰	نهادها	✓	✓	✓
۱۱	پول و تورم	✓	✓	-
۱۲	نرخ‌های سود	✓	✓	-
۱۳	درآمد حلال و طیب	✓	✓	✓
۱۴	کارآفرینی	✓	✓	✓
۱۵	پیشرفت اقتصادی	✓	✓	✓
۱۶	نقش دولت و شکست بازار	✓	✓	-
۱۷	نقش اخلاق و شکست دولت	✓	✓	✓
۱۸	نوسانات اقتصادی	✓	✓	-
۱۹	تورم و بیکاری	✓	✓	✓
۲۰	سیاست پولی، مالی و تربیت اقتصادی	✓	-	-

- Frank, R., Gilovich, T & Reg, D, 1993, "Does Studying Economics Inhibit Cooperation?", *The Journal of Economic Perspectives*, N. 7(2), p. 159-171.
- Gardner, D., 1983, *A Nation at Risk: The Imperative for Educational Reform*, Washington D.C, U.S. Department of Education.
- Gide, C & Rist, C, 1915, *A History of Economic Doctrines; From the Time of the Physiocrats to the Present Day*, Boston, D. C. Heath.
- Haneef, M., 1995, *Contemporary Islamic Economic Thought: A Selected Comparative Analysis*, Ikrq, S. Abdul Majid & Co.
- Hinshaw, C & Siegfried, J., 1991, "The Role of the American Economic Association in Economic Education: A Brief History", *The Journal of Economic Education*, N. 22(4), p. 373-381.
- Marwell, G & Ames, R, 1981, "Economists Free Ride, Does Anyone Else? Experiments on the Provision of Public Goods", *Journal of Public Economics*, N. 15(3), p. 295-310.
- Siegfried, J & et. al., 2010, *The Voluntary National Content Standards in Economics*, 2e ed, New York, Council for Economic Education.

در نگرش اسلامی، همان‌گونه که بازار و دولت ممکن است با شکست روبرو شوند، انسان اقتصادی نیز در معرض شکست قرار دارد. وی به‌واسطه برخورداری از عقلانیت ناقص ممکن است عملکرد مناسبی در اقتصاد نداشته باشد. از این‌رو عواملان اقتصادی نیازمند تعلیم و تربیت اقتصادی و درونی‌سازی اخلاق و معنویت هستند؛ اقدامی که می‌تواند به تحقق عقلانیت معنوی کمک کند. مفاهیم محتوایی پیشنهادی در این مقاله برای نظام تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی مبتنی بر رهیافت اسلامی نسبت به چارچوب‌بندی اخلاقی اقتصاد جامعه اسلامی است؛ رهیافتی که در آن تلاش برای کسب روزی حلال و طیب به‌عنوان جهاد در راه خداوند و عبادت شناخته می‌شود، فرهنگ روزی حلال و طیب ترویج می‌شود و از نهادهای اجتماعی - اقتصادی هم‌چون زکات و خمس برای تربیت اخلاقی فعالان اقتصادی استفاده می‌شود.

منابع.....

- توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۵، «انگیزش و تربیت اخلاقی در نظام مالیاتی اسلام»، *پژوهش‌نامه مالیات*، ش ۸۰، ص ۱۹۵-۲۲۱.
- ژید، شارل و شارل ریست، ۱۳۸۰، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه کریم سنجابی، تهران، دانشگاه تهران.
- طغیانی، مهدی و عادل پیغامی، ۱۳۹۵، *تعلیم و تربیت اقتصادی*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- طغیانی، مهدی و محمدهادی زاهدی‌وفا، ۱۳۹۱، «امکان بهره‌گیری از آثار تمدن اسلامی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی تربیت اقتصادی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۶، ص ۵۵-۷۶.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- Bauman, Y & Rose, E, 2009, *December 3, Why are Economics Students More Selfish than the Rest?*, Available at SSRN, <https://ssrn.com/abstract=1518081>.
- Buchanan, J., 1999, *The Economics and the Ethics of Constitutional Order*, Ann Arbor, University of Michigan Press.
- Carter, C & Irons, M., 1991, "Are Economists Different, and If So, Why?", *Journal of Economic Perspectives*, N. 5(2), p. 171-177.
- Chapra, M., 2000, *The Future of Economics; An Islamic Perspective*, Leicester, UK, The Islamic Foundation.
- Chapra, M., 2014, *Morality and Justice in Islamic Economics and Finance*, Cheltenham & Northampton, Edward Elgar Publishing.
- Christman, J., 2003, *Autonomy in Moral and Political Philosophy*, Stanford Encyclopedia of Philosophy, www.plato.stanford.edu/entries/autonomy-moral.
- Clow, F., 1899, *Economics as a School Study*, USA, Macmillan Company.